

گزارش:

برگزاری پنجمین کنگره بین المللی مارکس

از ۳ تا ۶ اکتبر ۲۰۰۷ در دانشگاه پاریس ۱۰ (نانتز)

این کنگره که در ۱۲ سال گذشته، هر سه سال یک بار یعنی در ۱۹۹۵، ۱۹۹۸، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۴ تشکیل شده بود، امسال نیز به همان ترتیب و به ابتکار نشریه تئوریک اکتوئل مارکس با شرکت صدها پژوهشگر از سراسر جهان برگزار شد. مجموعاً ۳۴۲ مطلب چه در جلسات عمومی (که در آمفی تئاتر دانشگاه تشکیل می‌شد و با ترجمه و فیلم برداری تلویزیونی همراه بود) و چه در کارگاهها (کلاس های دانشگاه) ارائه شد و مورد بحث قرار گرفت. تا کنون برای هر کنگره منتخبی از مقالات ارائه شده معمولاً در حدود ۵ جلد توسط انتشارات دانشگاهی فرانسه (PUF) منتشر شده و قرار است در مورد مباحث این کنگره نیز روال پیشین ادامه یابد. ترجمه فارسی برخی از مقالات کنگره های پیشین را انتشارات اندیشه و پیکار در ۳ جلد و نیز روی یک CD منتشر کرده که روی سایت اکتوئل مارکس، با سرعنوان انتشارات به زبانهای خارجی (Editions étrangères) و البته سایت اندیشه و پیکار قابل دسترسی ست. اضافه کنیم که جلد چهارم ترجمه فارسی هم در دست تکمیل است.

فراخوان به کنگره پنجم بیش از یک سال و نیم پیش منتشر شده بود که در اینجا مجدداً می‌آوریم:

فراخوان به پنجمین کنگره بین المللی مارکس،

دانشگاه پاریس ۱۰، از ۳ تا ۶ اکتبر ۲۰۰۷

آلترموندیالیسم، آنتی کاپیتالیسم [جانبداری از جهانی دیگر، ضدیت با سرمایه‌داری]،

به سوی یک سیاست جهان وطنی بدیل

در آستانه هزاره سوم، سرمایه‌داری تحرکی گسترده را جهت اعمال اسارت و بردگی و خشونتی نوین آغاز کرده است. نولیبرالیسم کارگران سراسر جهان را به رقابت با یکدیگر کشانده و دستاوردهای جنبش کارگری و دموکراتیک، مبارزات زنان و پیکارهای جهان سوم را به پایین ترین سطح خود رسانده است. نولیبرالیسم هویت و استقلال ملت ها را از میان بر می‌دارد، تنوع های فرهنگی را به سود جایگزین‌های کالایی شده از بین می‌برد و ما را با شتاب به سوی فاجعه زیست محیطی می‌کشاند.

اما از پویایی سراسری انواع مقاومت‌ها نیرویی وحدت بخش سر بلند می‌کند. جنبش جانبداری از جهانی دیگر باعث شده که یک منطق جهانشمول از انواع همبستگی‌ها سر برآورد که به انترناسیونالیسم چهره نوینی می‌بخشد. این منطق شعار فراگیر زیر را مطرح می‌کند که: "دنیای دیگری ممکن است". مؤلفه‌های متعدد این جنبش می‌کوشند شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این دنیای دیگر را تعریف کنند. مگر می‌توان از این خطرترین پرسش ها طفره رفت که:

در سرمایه‌داری چگونه دنیا را تغییر دهیم؟ کدام دنیای دیگر غیر سرمایه‌داری را جایگزینش کنیم؟

هدف پنجمین کنگره بین‌المللی مارکس این است که این پرسش‌ها را به بحث بگذارد. مسأله بر سر این است که به سیاستی جهان وطن از طرازی دیگر از پایین به بالا بیندیشیم.

فراخوان ما خطاب به پژوهشگران در کلیه رشته‌ها و کلیه گروه‌های تحقیقی‌ست، چه دانشگاهی باشند، چه غیر از آن، پژوهشگرانی که خود را در چشم انداز "دنیای دیگری" تعریف می‌کنند.

سازماندهی این دیدار:

دیدار بر پایه‌های زیر شکل می‌گیرد:

بخش‌های علمی: فلسفه، اقتصاد، حقوق، تاریخ، جامعه‌شناسی، فرهنگ، زبان‌ها، علوم سیاسی، انسان‌شناسی.

و مضامین زیر: مطالعات فمینیستی، زیست‌شناسی، انواع سوسیالیسم، انواع مارکسیسم.

در جلسات عمومی که رشته‌های مختلف را در بر می‌گیرد شرکت‌کنندگان روی مضامینی که با یکدیگر تداخل دارند به بحث می‌پردازند.

نشریات تئوریک که در برگزاری کنگره همکاری دارند پروژه‌های خاص خود را به بحث می‌گذارند.

ریاست کنگره: ژاک بیده و ژرار دومینیل

تماس:

Actuelmarx@u-paris10.fr

اطلاعات مربوط به کنگره به تدریج روی سایت زیر قرار می‌گیرد:

<http://next/u-paris10.fr/actuelmarx/>

* * * * *

کنگره طبق برنامه ریزی اعلام شده برگزار گردید. از سراسر جهان ۲۴۲ مطلب پژوهشی به کنگره عرضه شد. تمام مقالات کنگره جنبه آکادمیک و پژوهشی دارد و جایی برای تبلیغ و ترویج گروه سیاسی خاصی نیست. مطالب در رشته‌های علمی زیر: فرهنگ، حقوق، محیط زیست، اقتصاد (که وسیع‌ترین رشته بود با سه بخش ویژه: شکل بندی‌های ملی، فرارفتن از سرمایه‌داری، تئوری اقتصادی مارکسیستی)، مطالعات فمینیستی، مطالعات مارکسیستی (مضمون اول: میراث مارکسیسم و امروزین بودن آن، مضمون دوم: سمینار درباره لوکاچ)، تاریخ (همراه با مباحث لیبرالیسم و مدیریت ریسک‌ها [خطرهای احتمالی]، لیبرالیسم و فضا - مکان، مقاومت‌های ضد لیبرالی، فلسفه (با سمیناری مهم

درباره کتاب کاپیتال)، علوم سیاسی، سوسیالیسم، جامعه‌شناسی.

زبان عمده سمینار زبان فرانسه بود. مباحثی که در جلسات عمومی (پلنوم) در آمفی تئاتر دانشگاه برگزار شد با ترجمه مستقیم همراه بود. با وجود این، در کارگاه‌ها (آتلیه، ورك شاپ‌ها) ۵۴ مطلب به زبان انگلیسی و ۵۶ مطلب به زبان اسپانیایی ارائه گردید. کارگاه‌هایی هم به نشریاتی که با اکتوئل مارکس در برگزاری کنگره همکاری دارند اختصاص داشت.

ژرار دومنیل (اقتصاددان) که ریاست کنگره را همراه با ژاک بیده (استاد فلسفه) به عهده دارد طی چند مقاله کوتاه که به مناسبت برگزاری کنگره در روزنامه اومانیته نوشت از جمله می‌گوید: "امروز می‌خواهم از نظم اجتماعی نوینی صحبت کنم که از یک ربع قرن پیش بر ما مسلط شده است، یعنی سرمایه‌داری نولیبرالی. ببینیم ارجاع به مارکس چه کمکی می‌تواند به تحلیل آن بدهد. بسیاری هستند که بازگشت به چارچوب‌های تئوریک گذشته را با واژه "کهنه و منسوخ" به باد ناسزا می‌گیرند. اما نولیبرالیسم مگر مرحله نوینی از سرمایه‌داری نیست؟ معلوم است که طبقات سرمایه‌دار کاملاً وجود دارند. کافیست لحظه‌ای به گزارش مریل لینچ کاپجیمینی ((Merril Lynch-Capgemini که یکی از بزرگترین نهادهای مدیریت میراث عمومی ست در باره "ثروت جهانی" گوش فرا دهیم تا این نکته را درک کنیم. چرا سرمایه‌داری از "احیای شرایط گذشته و بازگشت به آن" سخن می‌گوید؟ زیرا طی نخستین دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم، با سوسیال دموکراسی به سازش‌هایی رسید و برخی امتیازات و درآمدهای خود را (در قبال دیگر بخش‌های جمعیت) از دست داد. در سال‌های ۱۹۷۰ وقتی بازار بورس کساد بود و نرخ سود از نرخ تورم پایین‌تر، چطور می‌شد یک سرمایه‌دار "موفق" بود؟ در مجموع، نزدیک به ۳۰ سال، سرمایه‌داران با "مانع" روبرو بودند. اما این سالها با تلاش‌های مستمر آنان نیز همراه بود و سرانجام، آن سازش اجتماعی را که برتری داشت به فرسایش کشاند. تنها در پایان دهه ۷۰ که نشان بحران ساختاری و تنش‌های تورم بر آن خورده است بود که این طبقات توانستند کفه ترازو را به سود خود بچرخانند. دیکتاتوری‌های نظامی آمریکای لاتین آزمایشگاه تئوری‌های مکتب شیکاگو [نام گروهی غیررسمی از اقتصاددانان لیبرال - م.] بودند. ماکارت تاچر که پینوشه از دوستان نزدیکش بود، و رونالد ریگان چهره‌های بارز ورود به نظم اجتماعی نوین در کشورهای مرکز بودند، هرچند این امر بدون مقاومت هم رخ نداد چنان که اعتصاب‌های کارگری در انگلستان و ایالات متحده گواه آن اند. تنها کمی پس از این دوره بود که میتران به سیاست صرفه‌جویی پیوست که شکستی برای جنبش‌های مردمی در فرانسه بود. از این به بعد است که مقررات نوین سرمایه (که سهامدار و بستانکار را سلطان می‌داند) بر کارگران و کادرهای اداری تحمیل شد. مرزها بین کشورهای که سطوح توسعه‌ی نابرابر داشتند باز گردید و رشد در کشورهایی متمرکز شد که هزینه نیروی کار به ویژه پایین است مانند چین. علاوه بر این، بیکاری را در اروپا دامن زد و پیوند بین جوامع آمریکای لاتین و آفریقا را گسست. چه کسی حالا می‌تواند به ما بیاورد که مبارزه طبقات "موتور محرک تاریخ" نیست؟"

اومانیته در همان روز، ۲ اکتبر، با ژاک بیده (استاد فلسفه) نیز مصاحبه‌ای داشته که در زیر می‌خوانید:

سؤال: چه انتظاراتی از این گردهم‌آیی نوین بین‌المللی دارید؟ به عنوان یک شهروند ساده، یک فعال کمابیش متعهد در زندگی فکری و اجتماعی، چه انتظاری می‌توان از این کنگره داشت؟

ژاک بیده: درهای کنگره بین‌المللی مارکس به روی همه باز است. جلسه افتتاحی در سوربن

مناسبتی ست برای آشنا شدن با فعالان برجسته فکری مقاومت در برابر نولیبرالیسم در آسیا، با گایاتری اسپیواک Gayatri Spivak شخصیت بارز فمینیسم فرودستان [از هند]، و در آمریکا، با شیکو وایتیکر Chico Whitaker مبتکر فوروم اجتماعی جهانی، و در آفریقا و جهان عرب با سمیر امین. پلنوم ها (یا جلسات عمومی) به تحلیل های بنیادین، اهداف دراز مدت و مباحثی که هر یک از ریشه یابی های سیاسی و اجتماعی ما را به چالش می گیرند خواهند پرداخت. کنگره حدود ۱۰ سمینار همزمان نیز ارائه می کند: "مطالعات فمینیستی نسل سوم" (نسل نولیبرالیسم)، جامعه شناسی نوین طبقات و "بدون" ها [یعنی بدون مسکن، بدون کار، بدون کارت اقامت و غیره - م.م.]، "فرهنگ مبارز"، "حقوق"، "تاریخ"، "علوم سیاسی"، "جانبداری از محیط زیست"، "سوسیالیسم". بخش اقتصاد و فلسفه هر یک ۲۵ کارگاه را به خود اختصاص می دهند. کنگره دیداری ست بین پژوهشگران، بدون شك مهمترین در نوع خود در اروپا. "شهروند" مورد نظر شما می تواند بنا به علاقه خود يك رشته را برگزیند یا از یکی به دیگری برود.

سؤال: سه سال پیش، مهمانان شما حول مضمون "جنگ امپریالیستی، جنگ اجتماعی" دور هم گرد آمده بودند و این بار حول "پروژه [یا طرح] يك جهان وطنی بدیل". اما ملاحظه می کنیم که جنگ، حقیقتاً، طی سه سال گذشته از دستور روز خارج نشده است. چگونه از يك مضمون به مضمونی دیگر می پردازید؟ و چرا؟

ژاک بیده: سرمایه های واحدی هستند که بی هیچ تمایزی در زمینه های داروسازی، "فرهنگ" یا سلاح های کشتار جمعی سرمایه گذاری می کنند. نولیبرالیسم با درهم شکستن دولت اجتماعی تمام کارگران سراسر جهان را در رقابت با یکدیگر قرار می دهد. منطق سود همان بی تفاوتی کامل به انسانها، به زندگی و به طبیعت است. می خواهند ما را به چنان سراشی بی بکشانند که به تدریج تمام آنچه را که همگانی ست و نشانی از همبستگی دارد نابود کنند. در چنین دستگاہی لشکرکشی های نظامی از اوضاع اجتماعی و سیاسی جدا نیست. در برابر مجموعه اینها ست که باید مقاومت کرد.

سؤال: آلترمونديالیسم، آنتی کاپیتالیسم [جانبداری از جهانی دیگر، ضدیت با سرمایه داری] ... با کنار هم گذاشتن این دو اصطلاح چه روابطی را می خواهید بررسی کنید؟ آیا نزدیکی بین این دو بدیهی ست؟

ژاک بیده: آلترمونديالیسم مفهوم جدیدی ست که بین جریان هایی متفاوت با یکدیگر، همگرایی ایجاد می کند مثلاً بین طرفداران محیط زیست، مبارزه جهانی زنان، همبستگی سندیکاها و انجمن ها، مقاومت "بدون" ها، خلق ها و گروه های [اجتماعی] تحت ستم، اقلیت هایی که به رسمیت شناخته نمی شود، الاهیات رهایی بخش، انواع انترناسیونالیسم، انواع دو رگه ای ها... باری، مبارزه ضد سرمایه داری چیزی جز مجموعه این مبارزات مشخص و گوناگون نیست. به شرط اینکه این خودآگاهی وجود داشته باشد که در منطق سرمایه است که همه اینها مضمون واحدی می یابند و با درافتادن با این منطق است که می توان راههای نوین همبستگی جهانی را یافت.

ضدیت با سرمایه داری از نظر تاریخی در درون هر ملتی و در مبارزه خلق های استعمار زده گسترش یافته است. با جهانی شدن، با ظرفیتی که قدرت مالی برای تصرف فریکارانها تمام فضا - مکان ها دارد، دشمن بیش از پیش نامرئی و دور از دسترس شده است. اما هر مقاومتی، هر پیروزی محلی

ای خود، نشانه‌ای ست، نمونه و دلگرمی ای ست برای بشریت به طور کلی. گامی به پیش برای همگان.

سؤال: آیا آلترموندیالیسم می تواند به نوعی انترناسیونالیسم نوین خلق ها باشد و در نقطه مقابل ناسیونالیسم دولت - ملت ها قرار گیرد؟ شما اختیار و استقلال پژوهشگران و نیز رشته های مختلف را چگونه در این زمینه با یکدیگر در پیوند قرار می دهید؟

ژاک بیده: آلترموندیالیسم میراث انترناسیونالیسم را بر عهده دارد. این بدین معنا ست که فضاهای ملی همچنان آوردگاه های تعیین کننده اند. همینجا ها ست که باید پیروز شد بی آنکه فراموش کنیم که آنها امروز ابعاد قاره‌ای به خود می گیرند. اما این انترناسیونالیسم احزاب نیستند که می توانند مبارزه مشترک را ارتقاء بخشند. از خلال جهانی شدن سرمایه‌داری ست که، بدترین شرایط یعنی واقعیتهای نوین و سیاره‌ای که سر و کار داشتن با آن مسأله‌ء همگان است سر بر خواهد آورد و ما نمی توانیم بدان دست یابیم مگر از خلال تعدد جنبش های سیاسی و فرهنگی، از خلال شبکه های پژوهشی، شبکه های همبستگی و ابتکاری. بنابراین، برای پژوهشگران برخوردار از کلیه انواع صلاحیت ها که با شهروندان از طریق پیوندهای گوناگون درآمیخته اند همیشه جای شایسته وجود دارد.

سؤال: شما توجه خاصی را معطوف به آمریکای لاتین کرده اید. علت چیست؟ آیا این امر به اوضاع کنونی مربوط است یا امری ست بنیادی تر؟

ژاک بیده: میدانیم که جنبش های انقلابی غالباً تصورات شورانگیز و آرامش بخش پدید آورده اند، مثلاً میهن شوروی، چین بالندهء مائوتسه تونگ، حماسه های جهان سوم. شك نیست که آمریکای لاتین نیز می تواند چنین نقشی ایفا کند (می توان از چه گوارا شمایل ساخت، و چهره‌ای ممتاز). اما تصادفی نیست که آمریکای لاتین امروز به صورت يك نقطهء همگرایی پدیدار شده است. در آنجا ظرفیت های فراوان برای مقاومت در برابر امپریالیسم، برای یافتن راه های بی سابقهء مشارکت رخ می نماید. در آنجا ملاحظه می‌کنیم که مردمان فراموش شده و حومه های جهان قد بر می افزایند. چه درس ها که از آنجا می توان گرفت.

سؤال: می‌گویید يك جهان وطنی بدیل سرمایه‌داری. حتی اندیشهء وجود جهانی که منطبق با هنجار سرمایه‌داری نباشد کمابیش دلپذیر است، ولی در هر حال غیرواقع بینانه به نظر می‌رسد. آیا شما اتوپی را قبول دارید؟

ژاک بیده: سرمایه‌داری تنها يك نظام طبقاتی نیست، بلکه يك نظام جهان (Système du monde) هم هست. از پنج قرن پیش، سرمایه‌داری ویرانی تمدن ها را در خارج از اروپا رهبری کرده است: برده داری، گرسنگی، استعمار، انواع نابودسازی. این امر از طریق شبکه‌ای از رژیم های تابع، از خلال گستره‌های بی کران خصوصی شده و نظامی شده ادامه دارد. جهان دارد به صورت يك بازار در می‌آید، و تبدیل جهان به بازار مستلزم تبدیل انسان ها به کالا ست. کالاهایی که بر سر آنها، قدرتهای مالی که خود قدرتهای سیاسی و نظامی نیز هستند، طبق قانون "هرکس زورش بیشتر است" چانه می زنند. همین قدرتها هستند که نوعی دولت - جهان (Etat-monde) به وجود آورده اند که قانون آن تملك خصوصی هرچیزی ست و منطق سود. دولتی که بر پایهء توازن قوای امپریالیستی اداره می شود.

اندیشیدن به يك بدیل به معنای دل دادن به يك اتویی (ناکجاآباد) نیست. در واقع، در چنین شرایطی ست که انسانیت وارد مرحلهء نوینی می شود که مسائل اساسی یعنی مسائل مربوط به محیط زیست، به امنیت جمعی، به بهداشت، حتی به ادامهء حیات، دست کم از این پس، به صورت مسائل همگان در می آید. در این شرایط است که به نحوی اجتناب ناپذیر يك مردم - جهان (un peuple-monde) پدیدار می شود.

از اومانیته ۲ اکتبر ۲۰۰۷، مصاحبه کننده: لوسیان دگوا (Lucien Degoy)

Vous trouverez les contributions des intervenants sur le site

<http://netx.u-paris10.fr/actuelmarx/cm5/index5.htm>

Vous pouvez assister aux conférences filmées sur le site

<http://www.canalc2.tv/video.asp?idvideo=6809>

Plein écran en cliquant sur le bouton de droite de votre souris

در پایان این گزارش مختصر، یادآوری می کنیم که اگر دوستانی در ترجمهء مقالات (برخی از زبان فرانسوی و برخی از انگلیسی) به ما یاری دهند، انتشارات اندیشه و پیکار مجموعه ای از ترجمهء مباحث این کنگره را نیز به فارسی، پس از ویراستاری و به نام مترجم منتشر خواهد کرد.

(گزارش برای اندیشه و پیکار)